اعمال ماه رجب و اهمیت آن

و سیرۀ ائمه و اولیاء الهی در این ماه

بسم اللَه الرّحمن الرّحیم

 ‌مقالۀ پیش رو، در مقام بیان اهمیت ماه رجب و لزوم استفاده از فیوضات توحیدی بی‌نظیر این ماه است، که برگرفته از سخنان حضرت علاّمه آیت‌اللَه حاج سیدمحمدحسین حسینی طهرانی و حضرت آیت‌اللَه حاج سیّد محمدمحسن طهرانی رضوان‌اللَه‌علیهما می‌باشد.

# ماه رجب دعوت‌نامۀ الهی برای انسان

 آمدن ماه رجب به این معناست که دوباره برای ما دعوت‌نامۀ الهی آمده است و پروردگار به انسان می‌گوید: دوباره ما تو را دعوت کردیم؛ و اگر خودت نیامدی و پای این سفره ننشستی، دیگر به خودت مربوط است، ما دعوت را فرستادیم.[[1]](#footnote-1)

# روایت «مَلَکِ داعی» در فضیلت ماه رجب

 از پیغمبر اکرم صلی‌اللَه‌علیه‌و‌آله‌وسلّم روایت شده است که فرموده‌اند:

ألا إِنَّ رَجَباً شَهرُ اللَه الأصَمُّ و هوَ شَهرٌ عَظيمٌ وَ إنَّما سُمّيَ الأَصَمَّ لِأنّهُ لاَ يُقَارِبُهُ شَهْرٌ مِنَ اَلشُّهُورِ حُرمَةً وَ فَضلاً عِندَ اللَه، و كانَ أهلُ الجاهِليّةِ يُعَظِّمُونَهُ في جاهِلِيَّتِها فلمّا جاءَ الإسلامُ لَم يَزدَد إلاّ تَعظيماً و فَضلاً، ألا إنّ رَجَباً شَهرُ اللَه و شَعبانَ شَهري و رَمَضانَ شَهرُ أُمّتي.

«آگاه باشید که رجب ماه اصمّ‌ خداست و آن ماهى بزرگ و گرانمايه است و همانا از آن رو به «اصمّ‌» ناميده شده كه هيچ ماهى در پيشگاه خدا ارجمندتر و فضيلت‌مندتر از اين ماه نيست و اهل جاهليّتِ عرب در روزگار جاهليّت آن را بزرگ مى‌داشتند؛ پس چون اسلام فرا رسيد، بر آن جز بزرگى و فضيلت نيفزود. هان! به‌راستى رجب ماه خدا و شعبان ماه من و رمضان ماه امت من است.»

 همچنین مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار روایتی از پیامبر اکرم صلی‌اللَه‌علیه‌و‌آله‌وسلّم نقل می‌کنند:

إنّ اللَه تَبَارَكَ وَ تَعَالىٰ نَصَبَ في السّماءِ السّابعةِ مَلَكاً يُقالُ لَهُ الدّاعي، فإذا دَخَلَ شَهرُ رَجَبٍ يُنادي ذلكَ المَلَكُ كُلَّ لَيلَةٍ مِنهُ إِلَى الصّباحِ: طوبىٰ لِلذّاكرينَ! طوبىٰ لِلطّائِعِينَ!

«خداوند متعال در آسمان هفتم[[2]](#footnote-2) فرشته‌ای قرار داده است که به او داعى مى‌گویند (داعی یعنى کسى که افراد را مى‌خواند و صدا مى‌زند) وقتی ماه رجب داخل مى‌شود، این مَلَک هر شب تا صبح صدایش بلند است: خوشا به حال آن کسانى که در حال ذکر هستند! خوشا به حال آن کسانى که در حال اطاعت‌اند!

و يَقولُ اللَه تَعالىٰ: أنا جَليسُ مَن جالَسَني و مُطيعُ مَن أطاعَني و غافِرُ مَنِ اسْتَغفَرَني. الشَّهرُ شَهري و العَبدُ عَبدي و الرّحمَةُ رَحْمَتي، فمَن دَعاني في هذا الشَهرِ أجَبتُهُ و مَن سَألَني أعطَيتُهُ و مَنِ اسْتَهداني هَدَيتُه.

خداوند متعال می فرماید: من همنشین کسى هستم که او خود را با من همنشین کند، و من اطاعت کسى را مى‌کنم که او اطاعت مرا بکند! و مى‌بخشم کسى را که از من طلب بخشش کند. این ماه، ماه من است و این بندگان همه بندگان من هستند و رحمت هم اختصاص به من دارد؛ کسى که مرا در این ماه بخواند او را اجابت مى‌کنم و کسى که از من بخواهد به او مى‌دهم و کسى که در این ماه از من طلب هدایت کند من او را هدایت مى‌کنم!

تمام جملاتى که در اینجا هست یک طرف، و این یک فقره یک طرف! ما در این ماه باید از خدا بخواهیم که خدا ما را هدایت کند. هدایت‌کردن یعنى موانع را از جلوى راه برداشتن، راه خود را مستقیم کردن و از خطرات حفظ کردن.

وَجَعَلتُ هذا الشّهرَحَبلًا بَینى و بَینَ عِبادى، فَمَنِ اعْتَصَمَ بى، وَصَلَ إلىّ.

من این ماه را ریسمان بین خودم و بندگانم قرار دادم؛ هرکس که به این ریسمان چنگ بزند، به من مى‌رسد.»

# خصوصیّت استثنائی ماه رجب، در غلبۀ جنبۀ توحید

 در ماه رجب جنبۀ توحید و خصوصیات توحیدى خیلى غلبه دارد و کسانى در ماه رجب خیلى بهره‌مند مى‌شوند که از نقطه‌نظر معارف توحیدى، درجات و مقاماتى را ادراک کرده باشند؛ استفادۀ این افراد از ماه رجب بسیار زیاد است. کیفیت ارتباطى که نفس در ماه رجب با تجلیّات توحیدی و با فیوضات پروردگار دارد، یک حالت و شعور و ادراک خاصّى را برای سالک در این ماه متجلّى مى‌کند.[[3]](#footnote-3)

# ماه رجب، ماه فناء فی‌اللَه

 ماه رجب ماه فناء فى‌اللَه است. علت اینکه ماهِ رجب ماهِ خداست، این است که در ماه رجب حالت خاصّی وجود دارد که از آن حالت خاصّ فقط اهلُ‌اللَه می‌توانند استفاده کنند. اگرچه استفادۀ دیگران ضعیف و محدود می‌باشد، امّا اهلُ‌اللَه هستند که این ماه را مى‌توانند درک کنند؛ یعنى جاذبه‌هاى مقام ربوبى و توحیدى و بارقه‌هاى توحیدى که سالک را زیر‌و‌رو مى‌کند و تعلّق سالک را از همه‌چیز قطع مى‌کند و او را فقط متوجه به حقیقت توحید مى‌کند و از همۀ آن تذییلات و فروعات و رشته‌ها و تعلقات و ارتباطات مى‌بُرد، آن در ماه رجب است. حتى ماه رمضان هم این کار را انجام نمى‌دهد. [گرچه]‌ ماه رمضان ماه رحمت است، ماه برکت است، ماه انبساط است، ماه غُفران است، خداوند همه را مى بخشد، ولی آن عمل زیربنایى مربوط به ماه رجب است.[[4]](#footnote-4)

# فراهم‌نمودن مقدّمات فناء: تخلیه و تحلیه و تجلیه

 مرحوم علامه طهرانی رضوان‌اللَه‌علیه در کتاب تفسیر آیۀ نور می‌فرمایند:

 انسان باید به خدا برسد. چه قِسم برسد؟ چه‌کار کند برسد؟ باید مشابهت پیدا کند!

شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام \*\*\* تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده[[5]](#footnote-5)

خدا پاک است، آدم نجس نمی‌تواند [به حرم پروردگار] برود! آدم آلوده را به حرم راه نمی‌دهند، به دربار پادشاه راه نمی‌دهند؛ باید تزکیه و تطهیر کند!

 ﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ﴾[[6]](#footnote-6).[[7]](#footnote-7)

 پیغمبر برای این آمده که [مردم را] تطهیر کند، تزکیه کند! مردم با آن عالَم مسانخه و شباهت پیدا کنند!

 درجۀ اوّل شباهت، «تخلیه» است. تخلیه یعنی انسان از تمام صفات زشت و نقص و توجّه به کثرات که انسان را از عالَمِ نور و اطلاق دور می‌کند، خودش را خالی کند. اول ترک معصیت کند، ترک مخالفت رضای محبوب کند. او می‌خواهد برود درِ خانۀ معشوق را بزند! وقتی با او دارد دشمنی می‌کند و مخالف رضای او را انجام می‌دهد‌، این در زدن فایده ندارد! راه اول تخلیه است. لذا در همۀ روایات داریم که با وجود معصیت انسان نمی‌تواند راه طی کند؛ اول باید ترک معصیت کند و خود را از ناپسندیده‌ها خالی کند.

 درجۀ بعد «تحلیه» است؛ یعنی مُتَحَلّی شدن به صفات کمال. عبادت انسان خوب باشد، مستحبّات انجام بدهد، انفاق کند، صلۀ رحم کند، حج کند، هر کار خوبی از دستش می‌آید بکند. حالا که خودش را از بدی‌ها خارج کرد، خودش را به این خوبی‌ها متّصف کند‌! این درجۀ بالاتر [است].

 درجۀ سوّم «تجلیه» است. تجلیه یعنی: متجلّی شدن به صفات پروردگار. در آنجا دیگر تجلّیات شروع می‌شود، خدا خودش را نشان می‌دهد: یک‌وقت به صفتِ القادر، یک‌وقت به صفت العالِم، یک‌وقت به صفت الرّحمان، یک‌وقت به صفت الرّحیم. این در تمام مظاهرِ وجود جلوه می‌کند، [و] تجلیّات شروع می‌شود.

 مرتبۀ چهارم مرتبۀ «فناء» است. تجلیّاتِ اسمائی و صفاتی که به نهایت رسید، آخرین مرتبۀ ملاقات، مرتبۀ فناء است. در آنجا شخصی که راه را طی می‌کند، به مرتبه‌ای می‌رسد که هرچه هست به خدا می‌سپارد و اعتراف می‌کند: خدایا من نه وجود دارم، نه علم دارم، نه قدرت دارم، نه حیات دارم، هیچ، هیچ! همۀ اینها مال توست و تو به ما دادی! اعتراف می‌کند و علاوه بر اعتراف، با لسانِ دل هم تصریح می‌کند و تفویض می‌کند‌. اینجا به مقام فناء می‌رسد.[[8]](#footnote-8)

# ویژگی ماه رجب در قبال ماه رمضان

 ماه رمضان براى عامّۀ مردم نَفع بیشترى دارد، ولى ماه رجب براى خصوص سالکان الى‌اللَه از ماه رمضان نافع‌تر است. در واقع ماه رجب تفاوتش با دیگر ماه‌ها در این است که بروزات آن خَفی است. در ماه رمضان همه این اختلاف را متوجه می‌شوند؛ همین روزه‌ای که انسان می‌گیرد، می‌فهمد که این روزه چه تغییری در او ایجاد کرده است. حتی افرادی که خیلی اهل این مطالب هم نیستند معترف‌اند و می‌فهمند. ولی ماه رجب را [هر]کسی نمی‌فهمد، نکته‌اش هم همین است: ماه رجب برای خاصّان است، لذا خدا نگذاشته که همه بفهمند. ماه رجب متعلق به کسانی است که به‌دنبال مطلب هستند، برای آنهایی است که در راه‌اند، برای آنهایی است که به‌دنبال ‌چاره‌ای می‌گردند.

 در ماه رجب، گرچه رحمت پروردگار شامل همۀ افراد است اما یک خصوصیت خاص نسبت به اولیاء خودش و افرادى که از نقطه‌نظر سلوکى مراتبى را طى کرده‌اند دارد و حالات و جَذَبات توحیدى در ماه رجب بیشتر از دیگر ایام است؛ یعنى آن جنبۀ حالات توجّه انسان و آن روحانیت، انبساط، حالت لطافت، حالت سبُکى، در ماه رجب به‌نوع دیگری وجود دارد؛ حالات، حالاتِ سنگین سلوکى است، حالاتِ سنگین آن جذبات توحیدى است و واردات و بارقات و تأثیراتى که در ماه رجب بر نفس وارد مى‌شود، نسبت به سایر ایام‌اللَه، تأثیرات عمیق‌تر و زیر‌بنایى‌تری است.

# سیرۀ اولیاء الهی در هنگام فرارسیدن ماه رجب

 لذا اهتمام بزرگان نسبت به ماه رجب حتى از ماه رمضان هم بیشتر بود و عبارت علامۀ طهرانی این بود: «سالکین باید نسبت به ماه رجب و ماه‌های حرام، واکنش و حساسیت بیشتری نشان بدهند.» مسئله یک مسئلۀ اعتباری و توهّمی نیست، بلکه یک مسئلۀ واقعی است. مشخص است وقتی که ماه رجب می‌آید، حال‌و‌هوا با ماه جمادی فرق دارد، چطور اینکه حال‌و‌هوا در ماه رمضان تفاوت می‌کند، یا وقتی محرّم می‌آید، متوجه می‌شوید حال‌و‌هوا عوض شده است، اثر معنوی این حادثه، چطور فضا را تغییر می‌دهد و محزون می‌کند.[[9]](#footnote-9)

 دأب و دَیدَن[[10]](#footnote-10) مرحوم علامۀ طهرانی رضوان‌اللَه‌علیه این بود که قبل از ماه رجب، دوستان خود را جمع مى‌کردند و راجع به اهتمام ماه رجب مطالبى را مى‌فرمودند. آنچه را من بدون توجه به روایات و احادیثى که در فضیلت ماه رجب آمده است از تجربیّات شخصى خودم با علامۀ طهرانی و سایر بزرگان رضوان‌اللَه‌علیهم به یاد دارم، این است که ایشان در تمام ایام سال، نسبت به سایر ماه‌ها اهتمام بیشترى به ماه رجب داشتند و خود ایشان (علامۀ طهرانی) هم در ماه رجب تغییراتى داشتند.

 ایشان به‌طور کلى در زندگی و در اعمال شخصى خودشان نسبت به ماه رجب مراقبت بیشترى داشتند و به رفقا و دوستانشان نیز به‌عنوان توصیه مى فرمودند: «ماه رجب ماه الهى است، انسان نباید در ماه خدا غیرخدا را داخل کند.»[[11]](#footnote-11)

# بخش اول: مراقبات قبل از ورود به ماه رجب

## 1. حالت انتظار و آمادگیِ ورود به أشهُر ثلاثة

 ماه رجب ماهی است که سالکان، امیدِ آمدن آن را دارند و و از ماه‌های قبل برای آمدن ماه رجب روزشماری می‌کنند.این حالت انتظار و ترقّب برای آمدن ماه رجب خیلی حالت مهمّی است؛ به‌طوری که این حالت انتظار و ترقّب از ذکر و وِرد و سایر اعمال عبادی مهم‌تر است.

 حالت انتظار یعنی وقتی انسان می‌خواهد وارد ماه رجب شود، با یک نفْس و روحیه و حال‌وهوایی وارد شود که گویا به پذیرایی خدا می‌رود. این حالت از اعمال مهم‌تر است؛ چون آنچه به انسان می رسد به‌واسطۀ نیّت است، و آن نیّت است که باعث انوار و فیوضات الهی می‌شود.

 همچنین سالک باید آمادگى و تَهَیُّؤ ورود در ماه رجب را از قبل در خود ایجاد کند؛ چون یک لحظه از ماه رجب هم یک لحظه است! در کیفیت صحبت دقت بیشترى داشته باشد، در ارتباط با افراد دقت بیشترى داشته باشد، نسبت به تخیلات و توهمات و آنچه به ذهن خطور مى‌کند، مراقب باشد و در رعایت حال افراد و زیردستان و امثال‌ذلک خوددارى و خویشتندارى بیشتری داشته باشد.

 حتى بزرگان مى فرمودند: «بهتر است انسان از اول جمادى‌الثانى حال وهواى ماه رجب را در فضاى رفت‌و‌‌آمد خودش و بیت خودش وارد کند تا اینکه بتواند از این مسئله استفاده کند.»

 راجع به گوش، راجع به چشم، راجع به قدم، و اینکه هر جایى نرود، با هرکسى صحبت نکند، میزان صحبت با افراد را محدودتر کند، به هر مطلبى گوش فرا ندهد و به هر جایى چشم نیندازد؛ و نگوید که حالا تا ماه رجب فاصله داریم و خدا بزرگ است! بله خدا همیشه بزرگ است، ولى خدا بر هر چیزى علت و سبب قرار داده است. و خلاصه تأکیدى که بزرگان داشتند این بود که آمادگى انسان براى ورود به این أشهُرِ مبارکه رجب و شعبان و رمضان، و آنچه در خود ایجاد مى‌کند، خیلى مهم است.[[12]](#footnote-12)

## 2. توبه و بازگشت به‌سوی خداوند

 ورود در ماه‌هاى حرام و ماه‌هایى که مشمول عنایت و لطف خاصّ پروردگار است، آداب و شرایطى دارد. شما وقتى به دیدن یک نفر مى‌روید، با همان لباسى که در منزل است که نمى‌روید! لباس مى‌پوشید، حمام مى‌روید، عطر مى‌زنید، خود را آماده مى‌کنید. ماه رجب هم از دیدگاه اولیاء الهى چنین خصوصیتى دارد؛ لذا مى‌فرمودند: «بهترین کار براى سالک این است که قبل از ماه، توبه کند! غسل توبه و غسل استخاره انجام دهد و بعد از دو رکعت نماز، سر به سجده بگذارد و صد مرتبه «أستَخیرُ اللَه بِرَحمَتِه»[[13]](#footnote-13) بگوید؛ یعنى خدایا من خودم را براى ورود در این ماه مى خواهم آماده کنم، دست و پاى خودم را مى‌خواهم جمع کنم، وضع خودم را مى‌خواهم درست کنم و حساب خودم را مى‌خواهم با تو تصفیه کنم و عبد باشم.

 یک بار رفقا از من سؤال کردند که بهترین چیز براى ماه رجب چیست؟ گفتم: من همان را عرض مى کنم که بزرگان فرموده‌اند: «بهترین چیز این است که انسان خود را از خود بیرون بیاورد، از خودیّت بیرون بیاورد و به‌عنوان یک عبد باشد و اراده و اختیار خود را تسلیم اختیار پروردگار کند.»[[14]](#footnote-14)

قبل از هر کارى که مى‌خواهد انجام بدهد، اول ببیند که او چه مى‌خواهد، بعد انجام بدهد. هر فکرى مى‌خواهد براى او بیاید، اول ببیند او چه رضایت دارد، بعد راجع به آن فکر کند. هر اقدامى که مى‌خواهد بکند، اول جنبۀ اتصال و ارتباط با او را در نظر بگیرد و بعد به آن قضیه اقدام کند. این همان مقام عبودیّتى است که اگر خداوند به بنده‌اى توفیق بدهد، مى تواند حظّ و نصیب بیشترى ببرد.[[15]](#footnote-15)

# بخش دوم: مراقبات پس از ورود به ماه رجب

## 1. تصحیح خیال

 مهم‌ترین مسئله‌ای که در این سه ماه رجب، شعبان و رمضان براى انسان توصیه شده است، عبارت است از اینکه انسان ذهن خود را از خطورات و از مسائل پاک کند، و نگذارد هر خطوری به ذهن او بیاید، یا اگر خطورى مى‌آید، نگذارد درآنجا لانه کند و بماند، بلکه زود از ذهن خود دفع کند تا اینکه نفس بتواند قابلیت ورود انوارى را که از عالم ملکوت مى‌آید، پیدا کند. و بداند که با وجود خطورات و ذهنیات، دیگر جایى براى آن انوار و واردات نیست؛ لذا باید ذهن خود را آماده کند.[[16]](#footnote-16)

## 2. رعایت مراقبه

 مراقبه از اهمّ شرایط سلوک است و آن عبارت است از آنکه سالک در جمیع احوال مراقب و مواظب باشد تا از آنچه وظیفه اوست تخطّى ننماید و از آنچه بر آن عازم شده تخلّف نکند. مراقبه معناى عامّى است و به اختلافِ مقامات و درجات و منازل سالک تفاوت مى‌کند. مراقبه حکم پرهیز از غذاى نامناسب براى مریض را دارد، و تا وقتى که مریض مزاج خود را پاک ننماید و از آنچه مناسب او نیست پرهیز نکند دارو بى‌اثر خواهد بود، و چه‌بسا گاهى اثر معکوس مى‌دهد.[[17]](#footnote-17)

 مرحوم علامه طهرانی رضوان‌اللَه‌علیه در توضیح معنای مراقبه می‌فرمایند:

 من یک روز از حضرت علاّمۀ طباطبایی سؤال کردم که «فلان عمل در چه صورت مؤثّر است؟» ایشان فرمودند: «با مراقبه! مراقبه!» بعد خودشان تفسیر کردند که مراقبه معنایش این است:

صمت و جوع و سَهَر[[18]](#footnote-18) و عزلت و ذکری به‌دوام \*\*\* ناتمامانِ جهان را کنَد این پنج تمام

یعنی حتماً برای تحقّق مراقبه، عمل به این امور لازم است که عبارت است از:

 1. صَمت: یعنی سکوت.[[19]](#footnote-19)

 2. جوع: یعنی گرسنگی، و تنظیم غذا، خودداری‌کردن از زیاده‌روی و امثال اینها. و روزه که معلوم است حدّ اعلا و اکمل است، به‌شرط اینکه در موقع افطار یا در موقع سحر تدارک مافات نشود و آن‌قدر انباشته نشود تا اینکه تمام آن آثار روزه از بین برود.

 3. سَهَر: بیداری آخر شب است. اصلاً سالک که آخر شب و بین‌الطّلوعین بیدار نباشد به جایی نمی‌رسد، هزار سال هم زحمت بکشد، فایده ندارد. این دستور اساسی است!

 ٤. عُزلت: یعنی دوری از ابناء دنیا و اهواء و آراء مردم دنیا‌پرست و کسانی که همّشان به‌دست آوردن مال و جاه و اعتبار است؛ گرچه مسلمان‌اند و نماز می‌خوانند، ولی دردِ دین ندارند، دردِ خدا ندارند، دردشان همین مسائل زندگی و اجتماعی و امثال اینهاست. برخورد با اینها انسان را خسته می‌کند، کسل می‌کند و روح را از بین می‌برد.

 ٥. دوام ذکر: یعنی پیوسته انسان در دلش باید یاد خدا باشد و به فکر خدا باشد.[[20]](#footnote-20)

## 3. وظایف سالک در شب و روز

 بهتر است انسان اوقات خود را تنظیم کند، شب بهتر است زود بخوابد، غذای او غذای مناسبی باشد و از مسائلی که سایر افراد به آن مبتلا هستند باید پرهیز کند. [مانند مشاهدۀ] اخبار و مسائل بی‌ارزش، تصاویر، دیدن فیلم‌ها و مسائلی که غیر از اتلاف وقت و ورود شیاطین در حوزۀ منزل و وجود انسان، هیچ اثر دیگری ندارد همۀ اینها را کنار بگذارد؛ شب با وضو بخوابد و صبح زود برخیزد تا برای نماز آمادگی داشته باشد.

 وقتی که از منزل خارج می‌شود فقط به این نیّت باشد که می‌رود تا تکلیفی را انجام دهد و برگردد! خود را آغشته با مسائلی که در دوروبر است نکند و از مطالب آنها پرهیز کند. اینهاست که باعث می‌شود حالت آمادگی و تَهَیّؤ برای انسان پیدا بشود![[21]](#footnote-21)

## 4. کیفیت تغذیه

 از جمله نكاتى كه [بزرگان] به آن خيلى اهتمام داشتند، كيفيت تغذيه بود، كه مى‏فرمودند در اين ماه [رجب و] همين‌طور در ماه شعبان و رمضان خوب است كه سالك تغييرى در تغذيۀ خود به وجود بياورد و آن تغذيه به‌نحوى باشد كه در عين سبكى بتواند او را براى انجام عبادات حفظ كند و نگه دارد.

 علامۀ طهرانی مى‏فرمودند كه «در اين سه ماه خوب است كه انسان هيچ‌وقت احساس سيرى و ثقل نداشته باشد، غذايش به‌نحوى باشد كه هميشه احساس بكند غذا بر او مسلط نيست، معدۀ او را درگير نمى‏كند، فكر او را معده به خود مشغول نمى‏كند.» اين مسئله براى جلب فيوضات و جَذَبات به‌خصوص در ماه رجب خيلى اهميت دارد. آنچه بنده در يكى از جلسات از ايشان شنیدم اين بود:

«سالک توقع نداشته باشد كه آنچه خداوند متعال براى بندگانش در ماه رجب تخصيص داده است، با معدۀ پُر قسمت او بشود؛ اين مسئله انجام نخواهد شد!»[[22]](#footnote-22)

## 5. مطالعۀ احوال و آثار بزرگان

 مطالعه‌كردن احوال بزرگان، قصص بزرگان، كتاب‏هاى اخلاقى، كتاب‏هاى علامۀ طهرانی، نسبت به مسائل مختلف خيلى براى انسان مى‏تواند كارساز باشد. همچنین اشعار بزرگان و اولياء را گاهى زمزمه‌كردن و توجه‌كردن به معانى آن بسیار راهگشاست. هر روز انسان مثلاً چند خط شعر از خواجه‌حافظ شيراز مطالعه كند و مفاد آن را در حدود ظرفيت خودش مطالعه كند، يا اشعار مولانا يا اشعار اولياء و بزرگان ديگر. خواندن اين اشعار، انسان را از اين عالم تكثّرات خارج مى‏كند، و انسان اين مطلب را خودش مى‏فهمد، يعنى خودش متوجه مى‏شود كه چطور با وارد‌شدن در مطالعۀ احوال بزرگان و مطالعه اين اشعار، اين حالت براى او پيدا مى‏شود.[[23]](#footnote-23)

## 6. زیارت اهل قبور

 هفته‌ای یکبار به زیارت اهل قبور رفتن و برای آنها طلب مغفرت کردن [مورد تأکید است]. البته نه اینکه انسان هر روز برود؛ هفته‌ای یکبار، آن هم نه ظهر و شب، بلکه پنج‌شنبه، بین‌الطلوعین انسان به قبرستان برود.

 الان که دیگر قبرستان‌ها پارک و باغ شده است! این قبرستان‌ها نه‌تنها انسان را از کثرت بیرون نمی‌آورد، بلکه انسان را متوجّه کثرات و دنیا می‌کند. قبرستانی پیدا کنید مثل همین قبرستان حاج شیخ در قم، قبرستان وادی‌السلام [در نجف]. باید انسان به قبرستانی برود که نگاه به آن قبرستان او را تکان بدهد، بلرزاند، او را متوجه کند که فردا نوبت اوست. و همان‏طورى كه بزرگان فرموده‌اند، برويم كنار قبرستان بنشينيم و يك فاتحه بخوانيم و بعد به تفكر و سكوت بپردازيم؛ اثر این سکوت در نفس، از قرآن خواندن بیشتر است. البته بعد از آن یک سورۀ تبارک، یک سورۀ یاسین، انسان برای اهداء ثواب برای آنها هم بخواند.[[24]](#footnote-24)

## 7. عیادت بیماران و رسیدگی به امور آنان

 عیادت مَرضىٰ و رسیدگى به امور بیماران به حال انسان سرعت مى‌بخشد.[[25]](#footnote-25)

 انسان باید به دیدن مریض برود و از مریض عیادت کند. منظور از عیادت مریض، خشنودی و خوشحالی او از انسان است؛ لذا مستحب است که انسان چیزی ببرد، چون مریض دل‌شکسته است و اگر انسان به زیارت و ملاقاتش برود و تحفه‌ای ولو مختصر، مثل یک دانه سیب یا یک دانه بِه برای او ببرد، او خوشحال می‌شود.[[26]](#footnote-26)

## 8. صلۀ رحم و رفع اختلاف میان افراد

 از جمله مسائلی که در ماه رجب مورد تأکید بزرگان بوده است، مسئله صلۀ رحم و رفع اختلاف بین دو نفر است. حضرت آیت‌اللَه طهرانی رضوان‌‌اللَه‌علیه در این رابطه می‌فرمایند:

 اگر بین دو نفر نِقارى[[27]](#footnote-27) است و انسان آن را برطرف کند، این اثر بسیار عجیبى دارد. بارها مرحوم آقا (علامۀ طهرانی) مى‌فرمودند:

«اگر شخصى اصلاح ذات‌البین کند، ممکن است بعضى از درهایى که به روى او بسته شده به‌واسطۀ این کار باز بشود!»

اصلاح ذات‌البین خیلى اثر عجیبى دارد. معناى اصلاح ذات‌البین این است که انسان شیطان را از بین دو نفر بیرون کند و خدا را به جایش بیاورد.[[28]](#footnote-28)

 علامۀ طهرانی رضوان‌اللَه‌علیه در ارتباط با اهمیت مسئلۀ صلۀ رحم می‌فرمایند:

چقدر خوب است مساعدت به ارحام و نزديكان! يكى از کلیدهایی (کلیدهای آسمان) كه خيلى خيلى محكم است، و به‏واسطۀ رسيدگى به اقرباء و نزديكان باز مى‏شود، همين صلۀ رحم است!

 صلۀ رحم یعنی به‌دست آوردن دل شخص، خشنود كردن او، و به‌طريق احسن، قضاء حوائج اوست.[[29]](#footnote-29)

 علامۀ طهرانی در جای دیگری می‌فرمایند:

روزى از ايشان (مرحوم آية‌اللَه انصارى رضوان‌اللَه‌عليه) پرسيدم: براى تسريع در سير الى‌اللَه و صعود به مراتب كمال و تقرّب به حريم انس إله، چه عمل و رفتارى از همۀ امور و اعمال مناسب‏تر و كارسازتر است؟

مرحوم انصارى فرمودند:

«پس از انجام واجبات و ترك محرّمات، هيچ عملى براى اين مقصود، از قضاى حاجت مؤمن و ايجاد مسرّت و ابتهاج در قلب مؤمن، نيكوتر و مؤثّرتر نمى‏باشد.»[[30]](#footnote-30)

## 9. تهجّد و تفکر

 شب‌هاى ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان را خیلى باید مواظب باشید و ارزش آن را بدانید. بیدارى خیلى مهم است، ولی انسان در زمان بیداری لازم نیست همیشه نماز بخواند و ذکر بگوید. چه اشکال دارد که مطالبى از بزرگان مطالعه کند، یا ادعیه ماه رجب را بخواند، یا بر او خوانده شود و او گوش کند؟! بهتر است که انسان قدری از شب را به نماز و قدری را به تأمّل و تفکر در وضعیت خود، مآل خود، و رسیدن به حساب‌و‌کتاب‌های خود بپردازد.

 اکثر جذبات پروردگار و نفحاتى که بر قلب سالک مى‌آید، در شب‌هاى ماه رجب است. برخلاف ماه مبارک رمضان که اکثراً در روز است. لذا انسان باید این نکته را دقت کند و مواظب باشد شب‌های ماه رجب خود را از دست ندهد.[[31]](#footnote-31)

## 10. ذکر مدام و ورد

 ذکر یعنى انسان در حال توجه باشد، حالا چه اینکه ذکرى بگوید یا نگوید. انسان همیشه باید خدا را حاضر و ناظر ببیند و هیچ‌وقت حضور خدا را فراموش نکند. اگر شخصى در منزل باشد، انسان چقدر حواسش جمع است و متذکّر است؟! یک مقدارى هم به خدا بها بدهد![[32]](#footnote-32)

 یکى دیگر از مسائلى که در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان خیلى مؤکد است، ذکر مدامى است که انسان دارد. ذکر مدام ذکرى است که عدد ندارد و انسان بدون عدد مى‌تواند آن ذکر را بگوید. این را ذکر مدام مى‌گویند. جزء اذکار عددیه نیست و اشکالى هم ندارد که شخص بگوید. مثل ذکر لا إلهَ إلاّ اللَه. همین‌طور به‌نحو مدام انسان بگوید. دارد راه مى‌رود لا إلهَ إلاّ اللَه بگوید، نشسته است، آرام بدون اینکه حتى کسى هم بفهمد یا مثلاً دهان او حرکتى داشته باشد، ذکر لا إلهَ إلّا اللَه بگوید. این خیلى مناسب است.

 یکى از آن اذکار، ذکر یونسیه است که «لا إلهَ إلاّ أنتَ‌ سُبحانَک إنّى کنتُ مِنَ الظّالِمین»[[33]](#footnote-33) است که توصیه شده بدون عدد [باشد]. اگر کسى مى‌تواند مثلاً صد مرتبه [در] بین الطّلوعین بگوید؛ اگر یکى مى‌تواند، دویست مرتبه بگوید. این ذکر یونسیه بسیار مهم است، منتها بدون عدد: پنجاه مرتبه، هفتاد مرتبه، صد مرتبه، صد‌و‌پنجاه مرتبه؛ هرکسى به آن مقدارى که خسته نشود. خیلى [روی این ذکر] بزرگان تأکید کرده‌اند، و خود حقیر از مرحوم آقاى حدّاد رضوان‌اللَه‌علیه شنیدم که ایشان مى‌فرمودند:

«گنج‌هایى در این ذکر یونسیه نهفته است و اگر شخصى مداومت داشته باشد، خداوند او را به نعمات خیلى بزرگى مى‌رساند.»[[34]](#footnote-34)

## 11. قرائت قرآن

 راجع به قرائت قرآن نظر مرحوم آقا (علامه طهرانی) این بود که اگر انسان بتواند حداقل یکبار قرآن را در این ماه [رجب] دوره کند، بسیار فضیلت دارد.[[35]](#footnote-35)

## 12. قرائت ادعیه

 مرحوم علامۀ طهرانی بسیار بر قرائت ادعیۀ ماه رجب[[36]](#footnote-36) تأکید داشتند. دعاهای این ماه بسیار عجیب است و بهتر است که انسان این دعاها را بخواند. البته نه اینکه همه را یک‌مرتبه بخواند؛ [بلکه] مثلاً بعد از نماز صبح یک دعا را بخواند، بعد از نماز ظهر یکی، بعد از نماز مغرب یکی. [ماه رجب] چند دعا دارد که این دعاها را متناوباً انسان بخواند.[[37]](#footnote-37)

### برخی از ادعیّۀ مورد تأکید اولیاء الهی در ماه رجب

 دعای مکارم‌الاخلاق: مرحوم علامه طهرانی رضوان‌اللَه‌علیه دربارۀ ماه رجب و ماه شعبان تأکید و توصیه می‌کردند که خواندن دعای مکارم‌الاخلاق در طول این دو ماه بسیار عالی می‌باشد، و اگر هر روز خوانده نمی‌شود، حدّاقل این است که هفته‌اى یکبار آن دعا را بخواند.[[38]](#footnote-38)

 زیارت جامعۀ کبیره: اولیاى الهى، به خواندن زیارت جامعۀ کبیره، مخصوصاً در ماه رجب بسیار تأکید می‌کردند. و بنده خودم مى‌دیدم که چگونه اولیاء الهی بر زیارت جامعۀ کبیره، به‌خصوص در ماه رجب مداومت داشتند و آن را مى خواندند.[[39]](#footnote-39)

 مناجات خمسة‌عشر: ظهور و بروز مناجات خمسةعشر حضرت سجّاد علیه‌السلام در ماه رجب و شعبان خیلى مشخص است و بزرگان و اولیاء بر این مناجات در ماه رجب خیلى تأکید داشتند. مرحوم حدّاد رضوان‌اللَه‌علیه هر روزِ ماه رجب را به قرائت یکى یا دو تا از مناجات‌های خمسةعشر با صداى خودشان مى‌گذراندند؛ چه در روز و چه در شب، در فواصل نماز شب [یا] موقعیت‌هاى دیگر به قرائت این دعاها مى‌گذراندند.[[40]](#footnote-40)

 دعای صادره از ناحیۀ مقدسه: دعای «اللَهُمَّ إنّى أسئَلُک بمَعانى جَمیعِ ما یدعَوک بِه وُلاةُ أمرِک» که از طرف حضرت بَقیة‌اللَه ارواحُنا فِداه می‌باشد. مرحوم علامه طهرانی رضوان‌اللَه‌علیه به دوستانشان [قرائت آن را] تذکر مى‌دادند. خواندن این دعا در هر روز ماه رجب بسیار مؤکد است و بهترین وقتش هم بین نماز ظهر و عصر است، و خواندن آن در بین‌الطلوعین هم خوب است.[[41]](#footnote-41)

 دعای «الحمدللَّه الّذی أشهدنا مشهدَ أولیائِه فی رجب»: در هر جایى که هستیم و مکان متبّرکى هست (کسى در مشهد است در خدمت حضرت علىّ‌بن‌موسى‌الرّضا سلام‌اللَه‌علیه، در قم خدمت حضرت فاطمۀ معصومه سلام‌اللَه‌علیها، در [ری خدمت] حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام) [این دعا خوانده می‌شود]. در هر صورت اگر هم نبود، منافاتى ندارد به اینکه انسان این دعا را بخواند. این هم دعاى بسیار مؤکّدى است که در مفاتیح ذکر شده است. دعاهاى دیگرى که در خصوص ماه رجب در مفاتیح‌الجنان هست، تمام آنها صحیح‌السّند هستند؛ مثل دعای «یا مَن أرْجوهُ لِکلِّ خَیر...» که بعد از نماز مستحب است انسان بخواند، یا مانند دعاى حضرت سجّاد: «یا مَن یَملِکُ حوائِجَ السّائِلین» که این هم بسیار دعاى عالیة‌المضامینى است، یا مانند دعای «خَابَ الوافِدُونَ علىٰ غَیرِکَ وَ خَسِرَ المُتَعَرّضُونَ إلّا لَک».[[42]](#footnote-42)

## 13. روزه

 روزه در ماه رجب به‌اندازه‌اى تأکید شده است که شاید مضمون بعضى از روایات به نظرِ انسان اغراق‌آمیز بیاید!

 امام صادق علیه‌السّلام به سالم مى‌فرماید: «از ماه رجب را چقدر روزه گرفتى؟» اواخر ماه رجب بوده است. گفت: «هنوز روزه نگرفته‌ام.» حضرت فرمودند: «آن‌قدر ثواب از تو فوت شده است که غیر از خدا کسى نمى‌داند!» یعنى چه؟! ثواب چه چیز؟! ثواب یعنى در ارتباط تو با پروردگار آن‌قدر مواهب الهى و برکات از تو فوت شده که ثوابش را کسى غیر از او نمى‌داند.

 فلذا روزه در ماه رجب بسیار مستحب است. مرحوم علامۀ طهرانی رضوان‌‌اللَه‌‌علیه می‌فرمودند:

«برای ورود در ماه رجب خوب است انسان به هر مقداری که می‌تواند روزه بگیرد.»

البته این قضیه مربوط به ماه شعبان هم هست، منتها در ماه رجب اهمیت بیشتری دارد. برای افرادی که می‌توانند هر روز را روزه بگیرند و مزاج و استعداد و قوایشان آمادگی این را دارد، هر روز را بگیرند؛ ولی نه به آن مقداری که ضعف بر آنها غلبه کند. علی‌کل‌حال هر شخص به مقدار سعه و توانش می‌تواند روزه بگیرد.

 در روایت داریم بزرگان و اولیاء الهی، ائمه علیهم السلام، و بخصوص رسول خدا صلی‌اللَه‌علیه‌و‌آله‌وسلّم این سه ماه را پشت سر هم روزه می‌گرفتند.

و اگرکسی نمی‌تواند روزه بگیرد، مستحب است که به‌جای آن صد مرتبه در هر روز ذکر «سُبحانَ الإلـٰهِ الجلیل، سُبحانَ مَن لا ینبَغِی التّسبیحُ إلّا لَهُ، سُبحانَ الأَعَزِّ الأَکرَم، سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وهو لَهُ أهلٌ» را بگوید. مرحوم علامه [طهرانی] تأکید داشتند که رفقا و دوستانشان در ماه رجب، چنانچه موفق به گرفتن روزه نشدند، حتماً مداومت بر این ذکر داشته باشند. این ذکر را که بگویند ثواب همان روزه را به آنها می‌دهند.[[43]](#footnote-43)

## 14. زیارت مشاهد مشرّفه

 یکى از دستوراتى که مرحوم قاضى رضوان‌اللَه‌علیه و به‌تَبَعِ آنها بزرگان دیگر، خیلى به دوستان و شاگردان و رفقایشان دستور مى‌دادند، زیارت مشاهد مشرّفه است. مثلاً افرادى که در طهران هستند، [زیارت] حضرت عبدالعظیم سلام‌اللَه‌علیه، بسیار مغتنم و مهم است. در روایت از امام هادى علیه‌السلام داریم که فرمودند: «مَن زارَ عَبدَالعَظیمِ بِرِى کمَن زارَ الحُسَینَ بِکربَلاء؛[[44]](#footnote-44) کسى که حضرت عبدالعظیم را در رى زیارت کند، مثل اینکه سیدالشّهداء را [در کربلا] زیارت کرده است.»

یا اینکه اگر در هر شهرى امامزادۀ صحیح‌السّند و معتمد و موثَّقی هست، انسان مى‌تواند به آنجا برود و از فیوضات آنجا بهره‌مند بشود.[[45]](#footnote-45)

 از پیغمبر اکرم نقل می‌کنند که فرمودند: «ملائکۀ آسمان و زمین، در شب اوّل رجب همه در خانۀ کعبه جمع و در آنجا مشغول طواف مى‌شوند.»[[46]](#footnote-46) لذا مکه و عمرۀ رجبیه ثواب حج را دارد و بسیار مؤکد است و همان‌طور که مرحوم آقا در روح مجردشان فرموده‌اند، زیارت على‌بن‌موسى‌الرضا علیهماالسلام در ماه رجب، ثواب حج را دارد.[[47]](#footnote-47) و حتّى روایاتى که دربارۀ [فضیلت] زیارت امام رضا علیه‌السّلام [در ماه رجب] آمده، خیلى روایات عجیبی است.[[48]](#footnote-48)

# مناسبت‌های ماه رجب

## 1. لیلة‌الرّغائب

 اولین شب جمعه از ماه رجب را لیلة‌الرّغائب[[49]](#footnote-49) می‌نامند. این شب بسیار مهم است و تمام اساتید تأکید می‌کردند که شاگردان اعمال آن شب را که بین نماز مغرب و عشاء می‌باشد، انجام دهند.[[50]](#footnote-50)

 اولیاء الهی به‌قدری بر این شب تأکید می‌نمودند که از کلمات آنها این مطلب به‌دست می‌آید که اگر کسی اعمال چنین شبى را از دست بدهد، آن سال را باخته است![[51]](#footnote-51)

 شب رغائب، شبى است که آن نفحات خاصّۀ الهیّه که خداى متعال به بندگان خاص و اولیائش وعده داده است، براى آنها نازل مى شود.[[52]](#footnote-52)

### کیفیّت اعمال لیلةالرغائب

 در روایت[[53]](#footnote-53) داریم که اگر شخصى ماه رجب بر او داخل شود، [باید] پنج‌شنبه‌اى را روزه بگیرد که شب جمعۀ آن، اولین شب جمعه ماه رجب است.[[54]](#footnote-54) و در شب جمعه، بین نماز مغرب و عشاء، دوازده رکعت نماز بخواند: شش تا دو رکعت و در هر رکعتى بعد از سورۀ حمد، سه مرتبه سورۀ ﴿إنّا أنزَلناهُ﴾ و دوازده مرتبه سورۀ ﴿قُل هُوَ اللَه أحَد﴾. بعد از تمام شدن این دوازده رکعت، هفتاد مرتبه «اللَهمَّ صَلِّ عَلى مُحَمّدٍ النَّبّىِّ الأمّىِّ وَ عَلى آلِه» بگوید، سپس سر به سجده بگذارد و هفتاد مرتبه: «سُبوحٌ قُدّوس رَبُّ المَلائکة و الرّوح» بگوید، دوباره سر بر‌دارد و هفتاد مرتبه: «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَم و تَجاوَز عَمّا تَعلَم إنَّک أنتَ العَلىُّ الأعَظَم» بگوید، دوباره سر به سجده بگذارد و هفتاد مرتبه: «سُبوحٌ قُدّوس رَبُّ المَلائکة و الرّوح» بگوید. خداوند تمام گناهان او را مى‌آمرزد و هر حاجتى را که بخواهد، خداوند به او عطا مى‌کند.[[55]](#footnote-55)

#### تبیین معنای واقعی رغائب

 رغائب به آن تحفه و هديۀ بسيار گران‏قيمت و ارزشمند گفته مى‏شود كه به‌حسب ظاهر، رسيدن به آن به‏طور عادى بسيار مستبعد است. به‌عنوان مثال ممکن است شخصى به منزل انسان بيايد و يك هديه براى انسان بياورد؛ اينها چيزهاى عادى است و همه از اين كارها مى‏كنند و براى يكديگر هديه مى‏برند. يا انسان معامله مى‏كند و در آن معامله سود مى‏كند. اين هم يك مسئلۀ عادى است و همه اين كارها را انجام مى‏دهند. ولى گاهی شخصى در حال کندن زمین براى بنای یک ساختمان است، یا در جایى یک بناء را براى عمران آن خراب مى‌کند، که ناگهان کلنگ مى خورد و وقتی با دقت نگاه می‌کند، مى‌بیند عجب! حفره‌اى است و درون آن حفره کوزه‌اى است و در آن کوزه گنج و طلاهایی است. به این مى‌گویند رغیبه! یعنى یک تحفه و هدیۀ غیرمتوقَّع. تحفه‌اى که دیگر تا آخر عمر برای او کافى است. مى‌گویند: فلانی دیگر بارش را بست؛ یعنى دیگر هرچه بردارد، باز هم هنوز جا دارد. این به‌حسب ظاهر است. رغائب جمع رغیبه است؛ یعنى تحفه‌هاى غیرمتوقَّع، نه تحفه‌ها و هدیه‌هاى عادى، نه آنچه انسان به‌طور روزمرّه در طول ماه و سال و هفته به آن مى رسد؛ اینها هدیه است و به آنها رغیبه نمى‌گویند.

#### شب رغائب، شب درخواست رفع تعلّقات و حجاب‌ها

 شب رغائب، شب ادا کردن قرض و خوب‌شدنِ سردرد و کمردرد نیست؛ شب رفع گرفتارى نیست. البته داریم که «هرچه دعا کردید، خدا برآورده مى کند، ولى اینها رغیبه نیست، اینها چیزهاى عادى است. [گرچه] انسان باید اینها را هم از خدا بخواهد.

 خدا به حضرت موسى گفت: «نمک طعامت را هم از من بخواه!» و این عین توحید است. انسان باید از او بخواهد، ولى تمرکز و ارتکاز و توجه و اهتمام باید روى چه مسئله‌ای باشد؟ آن منظور بنده است! در این شب باید به موانع راهمان فکر کنیم، به آنچه مى‌آید و راه و مسیر ما را مى‌بندد، و انسان را بدبخت مى‌کند و دنیا و آخرت را از انسان مى‌گیرد. این را باید بپّاییم؛ کمردرد و دل‌درد و روده‌درد و قرض چیست؟! این مسائل اصلاً به حساب نمى‌آید! در این شب به آن خیالات و توهّماتى که راه سلوک را مى‌بندد باید فکر کرد. در این شب به آن نفحاتى که مى‌آید و تعلّقات را مى‌برد باید فکر کرد. به آن جذباتى که مى‌آید و عشق و عقل انسان را به سمت پروردگار چند برابر مى کند باید فکر کرد، و این جذبات را باید از خدا خواست. اینها رغیبه است.

 پس در این صورت از خدا چه بخواهیم؟ باید این را بخواهیم که: خدایا، در امسال توهّم و تخیّل را از ما بردار، از تخیّل و از قوۀ واهمه خارج شویم. اینها مى شود آن رغائبى که جا دارد انسان روى آن سرمایه بگذارد و فکرش را بر آنها مُتمحّض کند. باید بخواهیم که: خدایا، آن نفحاتى که ما را از تعلّقات خارج می‌کند، امشب آنها را نصیب ما کن تا سال بعد. در امشب بخواهید که: خدایا، امسال فهم ما را زیاد کن! این رغیبه است! یعنى چه فهم ما را زیاد کن؟ یعنى عقل ما را بالا ببر، یعنى قضاوت ما را درباره مسائل، قضاوتی صحیح قرار بده. یعنی ما را از توهّمات خارج کن، نفس ما را از تخیّلات بیرون بیاور. آنچه براى ما مصلحت حیاتى دارد، گرچه به بهای از‌دست‌دادن بعضى از امور دنیوى باشد، آن را براى ما مقدّر کن. آخر همه‌چیز که این مسائل دنیا نیست! آخر همه‌چیز که پول و زن و بچه نیست! ما به کدام سمت مى رویم؟ فهم ما کجا رفت؟! عقل ما کجا رفت؟!

 اولیاء خدا در امشب از خدا چه مى خواهند؟! در آخرِ همین اعمالى که برای این شب وارد است، آمده است که وقتی سر به سجده گذاشتید، هر حاجتی دارید از خدا بخواهید! این مسئلۀ فهم، همان چیزی است که در آن لحظه می توانید از خدا بخواهید.

 اولیاء خدا وقتی سر به سجده مى‌گذارند، واقعاً از خدا چه مى‌خواهند؟ آنها همان را مى‌خواهند که زمام‌دارانِ ما به ما تعلیم دادند: «أدخِلنا فی کلِّ خَیرٍ أدخَلتَ فیه محمّداً و آلَ محمّد؛ خدایا، ما را داخل کن در هر خیرى که محمّد و آل محمّد را در آن خیر داخل کردى! و ما را خارج کن از هر سوئى که پیامبر و آل او را خارج کردى.»[[56]](#footnote-56)

## 2. مبعث

 شب بیست‌وهفتم رجب، از آن شب‌هاى کارساز است که خیلى از انوار و تجلیّات توحیدىِ الهى در شب بیست‌وهفت رجب خواهد بود. اولیاء و بزرگان یک سال خودشان را براى ادراک این شب آماده مى‌کردند. برای آن شب اذکار و اوراد خاصّى وارد شده است و احیای آن بسیار مسئله مهمّى است. و همین قدر بدانیم که در شب بیست‌وهفت رجب، پیغمبر به رسالت و بعثت رسید. این مسئله، مسئلۀ کمى نیست. در آن شب این دعا وارد شده است: «اللَهمَّ إنّى أسألُكَ بِالتَّجَلِّى الأَعظَمِ فِى هذِهِ اللَيلَةِ مِنَ الشَّهرِ المُعَظَّمِ؛[[57]](#footnote-57) خدایا من تو را به تجلّىِ اعظم تو قسم مى دهم در چنین شبى!» پیغمبر تجلّى اعظم است، و از وجود پیغمبر، امیرالمؤمنین و سایر ائمّه علیهم‌السلام در راستاى همین تجلّى قرار دارند. همۀ اینها واسطۀ فیض هستند و الان کار در دست امام زمان علیه‌السلام است.[[58]](#footnote-58)

1. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-1)
2. فضائل الأشهُر الثلاثة, جلد1، ص 24. [↑](#footnote-ref-2)
3. بحارالأنوار، ج 95، ص377. [↑](#footnote-ref-3)
4. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 195. [↑](#footnote-ref-4)
5. دیوان حافظ، طبع پژمان، غزل 431. [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره جمعه (62) آیۀ 2. [↑](#footnote-ref-6)
7. نور ملکوت قرآن، ج 2، ص 213:

   «اوست خداوندی که در میان مردمِ درس‌نخوانده و در دامانِ مادر پرورش یافته، از خود آنها پیامبری را برانگیخت تا برای ایشان آیات خدا را تلاوت کند، و آنان را رشد و نُمُوّ دهد و کتاب و حکمت را تعلیمشان نماید.» [↑](#footnote-ref-7)
8. تفسیر آیۀ نور، ص 113. [↑](#footnote-ref-8)
9. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-9)
10. دأب و دَیدَن: روش، سیره. [↑](#footnote-ref-10)
11. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-11)
12. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 216. [↑](#footnote-ref-12)
13. حیات جاوید، ص 113:

    «از خدا طلب خیر و رحمت او را مى‌نمایم، و به رحمتِ او براى رسیدن به خیر، چشم امید دارم.« [↑](#footnote-ref-13)
14. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-14)
15. همان، جلسۀ 217. [↑](#footnote-ref-15)
16. همان، جلسۀ 145. [↑](#footnote-ref-16)
17. رساله لب اللباب در سیروسلوک اولی‌الالباب، ص 113. [↑](#footnote-ref-17)
18. سَهَر: شب‌بیداری. [↑](#footnote-ref-18)
19. آیین رستگاری، ص 120:

    «راهِ سیروسلوک برای آرامش نفس است که تجلیّات خدا فقط در سایۀ آرامش نفس است.

    روایتی داریم از رسول خدا صلّی‌اللَه‌علیه‌و‌آله‌و‌سلّم که می‌فرماید: لَو‌لا تَمریجٌ فی قُلوبِکُم و تَکثیرٌ فی کَلامِکُم لَرَأیتُم ما أریٰ و لَسَمِعتُم ما أسمَع. ”اگر این اضطراب و تشویش و دگرگونی در دل‌های شما نبود، و این زیادیِ گفتار بر زبان شما نبود، هرآینه البته شما می‌دیدید آنچه را که من می‌بینم و می‌شنیدید آنچه را که من می‌شنوم.“

    باز در حدیث نبویّ دیگر داریم از رسول خدا صلّی‌اللَه‌علیه‌و‌آله‌و‌سلّم که: لَولا أنّ الشَیاطینَ یَحومونَ حَولَ قُلوبِ بَنی آدَمَ لَرَأوا مَلَکوتَ السّماواتِ و الأرضِ. ”اگر شیاطین اطراف قلب فرزند آدم دور نمی‌زدند و آن را احاطه نمی‌کردند،‌ این فرزند آدم ملکوت آسمان و زمین را می‌دید.“

    زیادیِ گفتار چه ربطی به قلب دارد؟ این گفتار و کلامی که انسان دارد یک اثر وجودی از نفس اوست که ناشی از ارادۀ اوست. نفس چیزی را می‌بیند، تصوّری می‌کند، خواهشی دارد، صورتی را در نزد خودش، از معنا یا از صُوَر ذهنی در نظر می‌آورد، آن‌وقت آن معنایی را که می‌خواهد در خارج برای دیگری القاء کند، غیر از زبان راهی ندارد که آن معنا را القاء کند؛ پس این گفتار، یک گفتار جدای از دل نیست، اثری است که از دل و نیّت حکایت می‌کند؛ پس گفتار نشان‌دهندۀ نفس و حقیقت انسان است، گفتار نشان‌دهندۀ صاحب نفس است، گفتار نشان‌دهندۀ شقیّ و سعید است. افکار انسان و نیّات انسان و عقائد انسان و ارادۀ انسان از آثار نفس انسان است و این گفتار حکایت از آنها می‌کند؛ پس وجودِ نازله‌ای از همان معانی منطوی در نفس است؛ یعنی وقتی نفس را، خواهشش را، تقاضایش را، اراده‌اش را بخواهیم پایین بیاوریم، با همین گفتار پایین آورده‌ایم و ارائه و نشان داده‌ایم؛ پس گفتار هرکس نمایندۀ اوست، نمایندۀ شخصیّت و حرکت اوست؛ چون گفتار خود او را نشان می‌دهد، این رابطۀ بین گفتار و قلب است.حالا چرا انسان گفتار نکند؟ بله، اگر قلبش، قلبی باشد صاف و مطهّر و پاک و راه‌رفته و رسیده، مانند صدّیقین و مقرّبین، گفتارش عین حق است؛ کم باشد، زیاد باشد، شب تا صبح باشد، هیچ تفاوتی نمی‌کند. مثل خطبه‌هایی که امیرالمؤمنین علیه السّلام می‌خواند؛ مثل فرمایشاتی که دارند، آنها حق‌اند؛ چون این گفتار از آنِ نفس نیست، از آنِ خداست، پس گفتار عین حق است. کم باشد، زیاد باشد، یکی است.

    و اما آن کسی که می‌خواهد عبور کند، باید گفتار خودش را تصحیح و کنترل کند. برای اینکه گفتارش را کنترل کند، باید قلبش را کنترل کند تا گفتار به زبان نیاید؛ چون بین گفتار و قلب رابطه هست، لذا انسان بایستی سکوت اختیار کند تا قلب هم تکان نخورد و آرام بگیرد. انسان وقتی آن معانی را که می‌خواهد در ذهن بیاید، به زبان نیاورد، آنجا ترمز می‌کند، دیگر نمی‌گذارد آن معانی ولو معنای خراب باشد، نزول پیدا کند.

    مِن‌ باب مثال: انسان غضب کرده، می‌خواهد کسی را سبّ کند، اگر جلوی گفتار خودش را نگیرد سبّ می‌کند؛ ولی اگر در نیّت می‌خواهد سبّ کند، امّا جلوی گفتار را بگیرد، آنجا ترمز شده، جلوگیری کرده، دندان روی جگر گذاشته و جلوی خودش را گرفته و نگذاشته آن معنی خراب به زبان بیاید. این معنا اگر تکرار پیدا کند و برای انسان ملکه بشود، دیگر نیّت بد هم نمی‌آید. ده بار انسان می‌خواهد به کسی تندی کند ولی برای خدا جلوی خودش را می‌گیرد، دیگر نیّت تندی هم برایش نمی‌آید، فکر تندی نمی‌آید دیگر، فکر خراب برایش نمی‌آید، و کنترل این هم به دست زبان است؛ یعنی راه کنترل قلب حفظ زبان است. می‌گوید: زبان را ببند تا قلب خراب نشود؛ و این آرامشی که برای قلب پیدا می‌شود به واسطۀ این است که زبان باید ساکت باشد؛ و الاّ اگر زبان حرکت کند، قلب همیشه در تمریج است، همیشه آشوب است؛ زیرا که زبان نمایندۀ قلب است و با مُدرَکاتِ قلبی نسبت مستقیم دارد. حالا چقدر انسان سکوت بکند؟ این فرق می‌کند؛ در منازل و مراحل مختلف فرق می‌کند. در اوّل برای سالک می‌گویند: از زوائد باید سکوت اختیار کند؛ نه اینکه تنها از غیبت و دروغ و از این حرف‌ها. از حرف‌های عادی هم که انسان می‌زند ولی نه فایدۀ دنیوی دارد نه اخروی، باید دوری کند، انسان باید یک قفلی به دهانش بزند و حرف زیادی نزند. سالک باید صددرصد کنترل زبانش دست خودش باشد، هر حرفی که می‌خواهد بزند، ببیند این حرف اصلاً صحیح است یا نه؟ چه فایده‌ای بر آن مترتب است؟ این کنترل اعم است از اینکه گفتار باشد یا مسموعات؛ چیزهایی را که انسان می‌شنود آن ‌هم برای قلب تمریج می‌آورد. انسان نباید همه‌چیز را بشنود، آن چیزهایی را باید بشنود که برایش فایده دارد. [↑](#footnote-ref-19)
20. آیین رستگاری، ص 151. [↑](#footnote-ref-20)
21. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 144. [↑](#footnote-ref-21)
22. همان، جلسۀ 179. [↑](#footnote-ref-22)
23. همان، جلسۀ 92 و 200. [↑](#footnote-ref-23)
24. همان، جلسۀ 92. [↑](#footnote-ref-24)
25. همان. [↑](#footnote-ref-25)
26. مبانی اخلاق در آیات و روایات، ج 2، ص 169. [↑](#footnote-ref-26)
27. نِقار: کینه، کدورت، دشمنی. [↑](#footnote-ref-27)
28. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 198. [↑](#footnote-ref-28)
29. مبانی اخلاق در آیات و روایات ج1، ص 115. [↑](#footnote-ref-29)
30. مطلع انوار، ج 2، ص 297 و 328 و 395. [↑](#footnote-ref-30)
31. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 198. [↑](#footnote-ref-31)
32. همان، جلسۀ 1. [↑](#footnote-ref-32)
33. سوره انبیاء (21) آیۀ 87. [↑](#footnote-ref-33)
34. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 8. [↑](#footnote-ref-34)
35. همان، جلسۀ 27. [↑](#footnote-ref-35)
36. همان، جلسۀ 179:

    «براى افرادى که قدری با زبان عربى انس و مؤالفت کمتری دارند، بهتر است که ترجمه و معانی عبارات را نیز نگاه کنند و خواندن بی‌معنا مطلوب نیست؛ بلکه قرائت باید با توجّه به معانی صورت بگیرد؛ به‌جهت اینکه انسان بتواند تا حدودى از حال‌وهواى این مضامین سردربیاورد و ببیند که چه خبر است، معنا را توجه کند و این طراوت و معانى را در وجود خود نگه دارد. زیرا این ادعیه در نفس تأثیرمى گذارند و برای انسان حکم دارو را دارد که جلوى بسیارى از امراض را مى گیرد و همین ادعیه جلوى بسیارى از خطورات و وساوس را مى‌گیرد.» [↑](#footnote-ref-36)
37. همان، جلسۀ 198. [↑](#footnote-ref-37)
38. همان، جلسۀ 92. [↑](#footnote-ref-38)
39. همان، جلسۀ 198. [↑](#footnote-ref-39)
40. همان. [↑](#footnote-ref-40)
41. همان، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-41)
42. همان، جلسۀ 8. [↑](#footnote-ref-42)
43. همان، جلسۀ 27. [↑](#footnote-ref-43)
44. لئالى الأخبار، ج 3 ، ص 1.

    ترجمه: «هرکس عبدالعظیم حسنی را در ریّ زیارت کند، مانند کسی است که حضرت أباعبداللَه الحسین علیه السلام را در کربلاء زیارت نموده است.» [↑](#footnote-ref-44)
45. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 27. [↑](#footnote-ref-45)
46. وسائل الشّیعة، ج 8 ، ص 99. [↑](#footnote-ref-46)
47. کافى، ج 4، فروع، کتاب الحج و المزار، باب فضل زیارت أبی‌الحسن الرضا علیه‌السلام، ص 584. [↑](#footnote-ref-47)
48. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 27. [↑](#footnote-ref-48)
49. قابل ذکر است که سند لیلة‌الرغائب منحصر در نقل آن در کتب عامه نمی‌باشد. سید‌بن‌طاووس در کتاب الاقبال ج3، ص 185 می‌نویسد: در برخی از کتب اصحاب امامیه نیز آمده است و ایشان از آن منبع اخذ نموده است. «وجدنا ذلک فی کتب العبادات مرویّاً عن النبی صلّی الله علیه و آله و نقلتُه أنا مِن بعضِ کتبِ أصحابِنا رَحِمَهُم اللَهُ.»

    همچنین سند اعمال لیلة‌الرغائب منحصر در نقل سید‌بن‌طاووس و اجازۀ بنی‌زهره نمی باشد؛ بلکه مرحوم علامۀ حلی در منهاج‌الصلاح ص 456 و 457 آن را مرسلاً نقل فرموده است: «و یستحبّ أن یصلّیٰ فیه صلاةُ‌ الرغائب. روی عمر بن شمر عن جابر بن یزید الجعفی: أنّه یصوم أول خمیس فی رجب، ثمّ یصلّی...»

    از اینجا معلوم می شود که طریق حدیث، منحصر در عامه نیست و این اعمال سند دیگری داشته است. همچنین مرحوم علامه در اجازۀ کبیرۀ خود به بنی‌زهره نیز در ضمن بیان مفصل مرویات حسين‌بن‌دربی، این روایت را با سند مرکب از عامه و خاصه نقل فرموده است. بحار الانوار، ج104، ص122. [↑](#footnote-ref-49)
50. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-50)
51. همان، جلسۀ 145. [↑](#footnote-ref-51)
52. همان، جلسۀ 190. [↑](#footnote-ref-52)
53. إقبال الأعمال، ج 2، ص 632. [↑](#footnote-ref-53)
54. مانعِ لیلةالرّغائب نبودنِ وقوعِ پنج‌شنبه در آخرین روز جمادی

    آنچه در روایات به آن اشاره شده است، عبارت است از اینکه اولین شب جمعه ماه رجب، لیلة‌الرّغائب می‌باشد. و به‌دنبال آن روایات، راجع به اعمال لیلةالرغائب نیز چنین وارد شده است که: اگر اولین شب جمعه رجب وارد شود درحالتى که انسان پنج‌شنبه را روزه بگیرد و بعد وارد اعمال آن شب گردد، خداوند حاجات او را برآورده مى کند و فلان ثواب را به او عنایت می کند. (إقبال الأعمال، ج 2، ص 632)

    شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 190:

    تصوّر بسیارى از افراد و بزرگان این است که منظور روایات این است که گرفتن روزه در پنج‌شنبه‌ای ملاک است که خود پنج‌شنبه نیز در ماه رجب واقع شده باشد. مطابق این تفسیر، چنانچه پنج‌شنبه در آخرین روز جمادی‌الثانی واقع شود و ماه رجب از جمعه شروع شود، در این صورت این افراد براى لیلةالرغائب باید یک هفته صبر کنند که شب جمعه مجدّد و آتى بیاید و پنج‌شنبه‌ای که جزو ماه رجب است، روزه بگیرند و بعد این اعمال را انجام بدهند، ولى اینطور به نظر مى‌رسد که خصوص پنج‌شنبه در اینجا مدخلیّتى ندارد که داخل در خود ماه باشد؛ زیرا آنچه از باب تناسبِ حکم و موضوع، مدخلیّت دارد، خود همین شبِ جمعه بودن است؛ یعنى شب جمعه براى خودش دارای حیثیت و موقعیّتى است که در این موقعیت این برکات مى‌آید. انسان وقتى مى خواهد از این برکات و از این فضا و خصوصیت استفاده کند، نیاز به آمادگی و تهیّؤ دارد و آن آمادگی با گرفتن روزه حاصل مى‌شود. یعنى باید قبل از ورود در شب جمعه روزه گرفته باشد تا آن فضاى روزه و حالت صیام، آن روحانیت و استعداد و تهیّؤ خاص را براى او به وجود بیاورد، و وقتى که به وجود آورد، وارد در لیلةالرغائب و شب جمعه مى‌شود. و از طرفی در روایت دلالتی وجود ندارد که پنج‌شنبه باید از ماه رجب باشد. لذا براى افرادى که روز اولِ رجبِ آنها، روز جمعه است، لیلةالرغائب ایشان همان شب جمعۀ اول است. یعنی انسان باید پنج‌شنبه را روزه بگیرد و بعد شب جمعه‌ای که وارد مى‌شود شب جمعۀ اول ماه رجب است و آثار همان لیلةالرّغائب را دارد .این مسئله به نظر اقرب مى‌آید تا آن نظر دیگر.

    شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41:

    همچنین آنچه خود من استنباط مى‌کنم از خصوصیات روایات این است که روایت در مقام أغلبیت و غلبۀ اکثریت آمده است؛ یعنى وقتى که مى‌فرماید «کسى که ماه رجب بر او داخل بشود و پنج‌شنبۀ اول را روزه بگیرد»، این در مقام اکثریت است، چون اکثر سنوات، اولِ ماه رجب شب جمعه نیست، لهذا پیغمبر از این نظر غلبۀ اکثریت را داده‌اند و فرموده‌اند که «پنج‌شنبه را روزه بگیرید»، و الا روزه‌گرفتنِ خودِ پنج شنبه در ماه جمادى، همان اثر را دارد. [↑](#footnote-ref-54)
55. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 41. [↑](#footnote-ref-55)
56. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 190. [↑](#footnote-ref-56)
57. البلد الامین و الدرع الحصین، ص 183. [↑](#footnote-ref-57)
58. شرح حدیث عنوان بصری، جلسۀ 40. [↑](#footnote-ref-58)